

# محکمه تفتیش عقائد

## یا انگیز بیسیون

### معنای این جمله

شاید بعضی از خوانندگان عزیز نام انگیز بیسیون یادبوان تفتیش عقاید را شنیده و کم و بیش از ماجرای آن اطلاعی داشته باشند ولی اغلب اشخاص از آن اطلاع صحیح و جامعی ندارند ، انگیز بیسیون یادبوان تفتیش عقائد نام داد گاهی است که برای نابودی مخالفین « کاتولیک » در اروپا برقرار شد ، و در دوران حکومت خود که چندین قرن بطول انجامید جنایتها و سفاکیهای زیادی مرتکب گردید ، و از آنجا که تاریخ آن شامل یکسلسله نکاتی است که خوانندگان محترم را بحقیقت « کاتولیک » و دربار پاپ و روح کلیسا و کارگردانان آن و بطور کلی برپا کاری و فجایع عده ای از نصرانیها آشنا میکند ، نگارنده آنرا بصورت مقاله مختصری در آورده و در معرض مطالعه و قضاوت خوانندگان گرامی قرار داده است .

### مذاهب سه گانه مسیحی

مذهب مسیح بایک تائی و آرامی خاصی پیش رفت ، و بالاخره بعد از مرور چند قرن در بیشتر منطقه آسیای صغیر و اروپا گسترش و نفوذ یافت .

در آن هنگام که هنوز از این اختلافات وسیع و دامنه دار مذهبی نصرانیت که اکنون موجود است ، خبری نبود اداره هر یک از شهرهای مسیحی به « اسقفی » محول بود و از اجتماع چند شهر ولایتی تشکیل مییافت ، و سرپرستی ولایت به عمده خلیفه بود و پاپ ریاست اعظم نصرانیت را داشت و در تمام امور شرعی حتی انتخاب و نصب خلفا مداخله داشت ؛ من جمله خلیفه ای هم از طرف پاپ در رومیه الصغری که مقر خلافت آن قسطنطنیه بود برقرار می شد ، رفته رفته خلفای قسطنطنیه باین خیال افتادند که از تبعیت پاپ خارج شوند ؛ و حوزه ای جدا گانه و مستقل تشکیل دهند ؛ و در امور شرعی برای خودشان قضاوت کنند ، اختلافات

مذهبی و خرافات دینی و نارضایتی بعضی از دستگاه رئیس اعظم نیز فکر آنها را تقویت کرده زمزمه مخالفت آنها آغاز شد و بگوش پاپ رسید، و بعد از آن چندین بار بین پاپ و خلفای قسطنطنیه نزاع شدیدی در گرفت تا بالاخره در سال ۱۰۵۲ میلادی میان آنها جدایی کامل افتاد و امت نصاری بدو قسمت شد؛ اروپای شرقی که شامل ملت بلغار و روسی می شد تسلیم روحانیت قسطنطنیه گردید، و خود را «ارتدکس» یعنی صاحب دیانت حقه نامید و اروپای غربی که از لهستان تا اسپانیا امتداد داشت در اطاعت پاپ باقی ماند و خود را «کاتولیک» یعنی صاحب دیانت جامعه خواند (۱).

این دو طایفه در مذهب دوروش متباین و اصول و عقاید متضادی داشته اند و یکدیگر را تفرقه کرده و تکفیر مینمودند.

تا اینکه در اوایل قرن ۱۶ میلادی مذهب دیگری در اروپا رواج یافته و طرفداران زیادی پیدا کرد، این مذهب مشی خاصی داشت و با هر دو مذهب متقدم متباین بود و از آنجا که مؤسسين این مذهب (لوتر، کالون و...) در مورد گناه بخشی و بهشت فروشی و بعضی موضوعات دیگر با پاپ مخالفت کرده و با اسم «پروتستان» یعنی معترضین معروف شده اند طرفداران این مذهب را نیز بنام پروتستان خوانند.

با این ترتیب مذهب ساده و روشن حضرت مسیح (ع) در اثر خرافات و بدعتها که بوجود آمد به شعبه متباین تقسیم گردید و در نتیجه صفای اولیه آن از بین رفته بصورت یک سلسله اصول و عقاید کنونی درآمد.

### ظهور مرقدین و تاسیس انگلیزیون

در اروپای «کاتولیک» با وجود قدرت مطلقه پاپ در قرن دوازدهم و سیزدهم بدعتها یعنی عقایدیکه در نزد پاپ و سایر ارباب دیانت مردود بود، زیاد شد.

از جمله عقایدیکه کاملاً ناروح کاتولیک مخالف بود، عقیده ای بود که پیروانش آنرا عقیده پاک میخوانند و کانون اصلی آن شهر الب بود و بدین مناسبت طرفداران این عقیده را مرتدین البی میگفتند.

این عقیده ترکیبی از مسیحیت و مذهب مانی نقاش بزرگ ایران قدیم بود که از طریق سوریه و مصر بطرابلس و قرطاجنه یعنی لیبی و تونس امروزی سرایت کرده و از آنجا بایتالیا و فرانسه راه یافته بود (۲)

(۱) تاریخ عمومی البرماله

(۲) تاریخ عمومی البرماله و غیره.

طرفداران این عقیده میگفتند جهان هستی دو «خدا» دارد: یکی خدای خیر که ارواح را آفرید و دیگر خدای شر که ارواح را در زندان جسد اسیر کرده است و مسیح (ع) در نظرایشان فرشته ای بود که خداوند خیر او را فرستاد تا ارواح زندانی را نجات بخشد و نجات را فقط در پیروی از مسیح (ع) و انجام فرایض مذهبی میدانستند و بهشت فروشی و گناه بخشی را اموری غلط و ناروا می انگاشتند، و نیز عقاید دیگر که روح آن کاملا با مذهب «کاتولیک» مبیانت داشت و در اینجا مجال ذکر آنها نیست.

این عقیده در لاندوک بسرعت انتشار یافت و طرفداران زیادی پیدا کرد و حاکم فوآ و نایب الحکومه بزیه باین عقیده گرویدند و رایسون ششم حاکم تولوز (۱) با این عقیده و طرفدارانش نظر مساعدت پیدا کرد، ظهور و پیشرفت این عقیده باعث تشویش پاپ و سایر کاتولیکها شد تا اینکه در سال ۱۲۰۷ میلادی پادشاه فرانسه فیلیپا اکوست از طرف پاپ گریگوار نهم مأمور قلع و قمع آنها شد (۲). هنوز جنگی بر علیه آنها آغاز نشده بود که ناگهان خبر رسید که امیر آخور حاکم تولوز سفیر پاپ را کشته است، پاپ بمجرد شنیدن این خیر اعلام داشت که عموم ملت کاتولیک بضبط و تمک دارایی حاکم تولوز مجاز است. و افرادی که در این نبرد حاضر شوند همانند جنگجویان صلیبی که در جبهه مشرق با مسلمانان بیکار میکنند و از نظر ثواب برابر میباشند. منطقه تولوز در آن عصر سرشار از نعمت و ثروت و خزائن آن مملو از پول و کالا بود، اعلامیه پاپ هیجان شدیدی در مردم ایجاد کرد و بالاخره جنگ بر علیه رایسون ششم و بطور کلی مرتدین الهی آغاز شد بسیاری از امرای شمال فرانسه و امرای آلمان در این جنگ شرکت کردند ولی فیلیپ اکوست نتوانست در آن جنگ حاضر شود، این جنگ از سال ۱۲۰۸ میلادی تا ۱۲۳۱ ادامه داشت، هر چه قدرت داشتند بکار بردند گروهی را با آتش سوزاندند و جمعی را در چاههای عمیق انداختند و با سنگ انداختند و دسته ای را در زندانها حبس کردند تا از گرسنگی و عفونت ویی پناهی از سرما و گرما مردند ولی نتوانستند این عقیده را از آنجا بر اندازند بر عکس بجاهای دیگر سرایت کرده و با افزایش میرفت زیرا این گونه اعمال نسبت بیک مذهب و پیروانش یعنی توسل بزور و شدت مجازات بر علیه آن عقیده و طرفدارانش نه تنها آنرا از بین نمیبرد بلکه بر عکس سبب اشاعه و نفوذ آن و باعث زیاد شدن پیروانش میشود.

(۱) شهرها و نواحی البو و تولوز و لاندوک و فوآ و بزیه قسمتی از جنوب کشور

فرانسه میباشند.

(۲) تاریخ عمومی البرماله.

این عمل گر چه جمعی را نابود میکند ولی عده بیشتری را بسوی آن عقیده میکشاند و آنرا راسخ تر و محکم میسازد، درست همانند غلطاندن يك گلوله برف بر روی زمین پر برف است که هرچه غلطانده شود زمین را پاك میکند ولی خود برف را بزرگتر کرده و بادوام تر میسازد.

علاوه بر عقیده پاك، مذاهب مبتدعه دیگری در میان مردم بوجود آمد تا اینکه بالاخره بنظور جلو گیری از پیشرفت اینگونه مذاهب در سال ۱۲۱۵ میلادی (۱) فرمانی از طرف پاپ مزبور صادر گردید بوجه این فرمان در تمام شهرها اداره ای بنام انگیزسیون یادبوان تفتیش عقاید تشکیل یافت و آنهائیکه متهم به بدعت بودند بدانجا احضار گشته مکافات مییافتند، مرکز این اداره کاخ باعظمت واتیکان بود (۲) و شعبات مختلف آن در تمام شهرهای ممالک ایتالیا و فرانسه و اسپانیا و آلمان و لهستان و سایر کشور های مسیحی انجام وظیفه میکرد.

### تشدید مجازات

یکی از این شعبه هادر «تولوژ» بود که در سال ۱۲۳۱ میلادی از طرف پاپ مزبور برقرار گردید منظور اصلی از تأسیس این اداره در تولوژ از بین بردن عقیده پاك و پیروانش بود ولی بالتبع سایر بدعت گذاران نیز بدانجا احضار گشته و مؤاخذه می شدند، کارگردانان این اداره هرچه میخواستند میکردند همه کس را بجزرد سوء ظن یا مکاتیب بی امضا امر به توقیف صادومی کردند. معاکمات که در بدو امر علنی بود بالاخره سری شد کسی که مورد تهمت بود با تهمت زننده مواجه نمیکردید و حتی نام آنرا نمیدانست و وکیل مدافع هم نداشت (۳).

برای اقرار متهم از شکنجه و آزار استفاده میکردند همه کس مجرم محسوب می شدند و لازم بود برای برائت خود شاهد و دلیل اقامه کنند گویا اصل مطاع در تفتیش عقاید این بود

(۱) دائرة المعارف و جدی.

(۲) واتیکان یا مقرزبدگی و حکومت پاپ ساختمانی است در وسط رم پایتخت ایتالیا که از کشور ایتالیا جدا و مستقل است و دارای ۱۵ هزار اطاق و همه گونه تأسیسات اداری و سیاسی میباشد.

(۳) تاریخ عمومی البرماله

که اگر صد معصوم ببرد از آن بهتر که گناه کاری بگریزد (۱).  
 یکی از اعضاء فرقه سان فرانسوا که مخالف با این دیوان بودند در این باره می نویسد:  
 اگر «پطرس» و «پولس سعید» باین دیوان احضار میشدند بر امت ذمه حاصل نمیکردند! (۲)  
 برای شکار! ملحدین طرق مختلفی بکار میبردند یکی از این طرق فرمان ایمان بود  
 بموجب این فرمان تمام مؤمنین!! باید خبر چینی کنند هر چند یکبار کومی از کویهای  
 شهر سرکشی میشد و فرمانی صادر میگردد که اگر کسی چیزی از ارتداد دیگران خبر دارد  
 آنرا بر ملا سازد زیرا اگر چنین نکند مستحق کیفری دردناک خواهد بود لذا احدی از سوء  
 ظن همسایه یا اعضاء خانواده خود در امان نبود (۳).

جالب توجه این بود که اعضاء این دیوان را از میان خشن ترین اقوام و افراد  
 انتخاب میکردند.

هشتی که در آغاز قرن ۱۴ میلادی از طرف پاپ وقت «کلان پنجم» معین و انتخاب شد  
 مستگیری دیوان تفتیش عقاید را آشکار ساخت باین معنی که بعضی از متهمین هشت سال بود  
 که در زندان مانده و ابداً تحقیقی از آنها بعمل نیامده بود و گروهی با طاقهای بد بود چار و  
 بعقاب زندانها گرفتار بودند (۴).

قابل توجه آنکه کارگردانان این محکمه لعنتی بهر کس که بشته هیز می بر سوختن گاه  
 می گذاشت عطاوت میکردند ولی هیچگاه حکم اعدام صادر نمی نمودند، چرا؟ زیرا  
 کلیسا از خون ریزی بیزار بود و حاضر نبود دست خود را بخون مردم بیالاید فقط حکم بارتداد  
 میکردند و محکومین بیچاره را بمقامات غیر روحانی یعنی مأمورین شاه و سرکردگان  
 تحویل میدادند، و حتی رباکارانه میسپردند که با محکوم بعصبت و ملائمت رفتار  
 شود!!!

ولی احدی این دستورات را مراعات نمی نمود زیرا اجازه ای نبود جز آنکه فرمان مرگ  
 صادر و اجرا شود اگر غیر از این میکردند خود آنها بعنوان الحاد بداد گاه فراخوانده میشدند  
 و حکم تکفیر آنها صادر میشد (۵).

### انواع کشتارهای ظالمانه

یکی از امور وحشت انگیز این دادگاه طرق مختلفه کشتار محکومین بود و آتش  
 زدن طریقه بسیار معمولی این دادگاه بشمار میرفت فقط در سال ۱۲۳۹ میلادی در یکبار ۱۸۳  
 نفر ازنده زنده در «شامپانی» سوزانده (۶).

(۱) راهزنان (۲) تاریخ عمومی البرماله (۳) راهزنان .

(۴) البرماله (۵) راهزنان (۶) البرماله .

## دفاع از عقیده قلب ماهیت

دیوان تفتیش عقاید که در بدو امر برای تعقیب ملحدین تشکیل شده بود تدریجاً هولناکترین اداره‌ای شد که حتی از مزخرفترین اصول و عقاید دفاع مینمود چه بسیار افرادی که در آنجا محاکمه و نابود شدند زیرا آنان با اصول و عقاید مزخرفیکه در بار پاپ آنها را برسیست شناخته بود و بصورت یکسلسله اصول و عقاید مسلم و قطعی بمردم تلقین کرده بود مخالفت داشتند .

یکی از این عقاید خرافانی که خونهای زیادی در راه آن ریخته شد عقیده قلب ماهیت است و خلاصه آن بدین شرح است که آرد بسیار نرمی در کلیسا حاضر کرده و آنرا خمیر نموده و نان فطیر می‌پزند و شرابی نیز تهیه و آماده مینمایند ، آنگاه کشیش آباتی را که حضرت مسیح (ع) بر نان و شراب عشاء ربانی خواند بر آن نان و شراب میخواند سپس خود کشیش نان و شراب را سجده میکند و در سجده میگوید ای خداوند ما عیسی مسیح ! تو ما را بخون خود از آتش جهنم نجات دادی و در فردوس را بروی ما باز کردی بر ما گناه کاران رحم بفرما بدهمه نان را بیهمة نصرانیانی که حاضرند اجازه میدهد همه آنها سجده میافتند و کلیات مذکوره را میگویند پس از آن نان را ریز ریز میکنند بعد کشیش نان ریزه‌ها را بدامن خود ریخته یکی یکی از حاضرین نزد او میروند و کشیش یک ریزه از آن نان ریزه‌ها را در حالیکه با آهنگ مخصوص دعا میخواند بدهان او میگذارد عقیده آنها در این زمینه این است که در هر ریزه از این نان یک مسیح کامل است و معتقدند که این نان و شراب هنگام خوردن تغییر ماهیت داده مبدل بچشم و خون عیسی میشود .

اصل این عقیده از انجیل لوقا گرفته شده و پاپ در تحمیل این عقیده بملت کانولیک با فشاری زیادی میکند ولی ملتهای مختلفی از نصاری با این عقیده مخالفت کرده و آنرا تخطئه میکنند از آنجمله پروتستانهای پیرو لوتر هستند و آیات انجیل لوقا را که حضرت عیسی در عید فصح درباره نان و شراب عشاء ربانی فرموده بود این نان را بخورید که جسم من است و این شراب را بنوشید که خون من است بر مجاز تأویل مینمایند .

برای تثبیت عقیده قلب ماهیت و دفاع از آن و تعقیب منکرین آن در سال ۱۵۳۹ میلادی قانونی بنام مقررات خونین یا شمش مقاله در انگلستان وضع و از آن تاریخ به مدت هزاران نفر بجرم انکار این عقیده سخیف بدست جلادان دیوان تفتیش عقاید و سایر پیروان پاپ بقتل رسیدند ، مثلاً در سال ۱۵۴۶ میلادی زنی بنام مادام ان اسکيو با سه نفر دیگر بجرم مخالفت با این عقیده در آتش سوختند (۱) .

## مبارزه با خرافات!

در تاریخ میخوانیم که ادوارد اول پادشاه انگلیس فیلسوف نامی بیگن را از بحث کردن در علم شیمی منع کرد و نگذاشت در موضوع این علم در دانشگاه اکسفورد سخنرانی کند و حتی او را بیاریس تبعید کردند که زیر نظر کلیسا قرار گیرد مردم کاتولیک توجه بیگن را به دانش جزء کوه نظری میپنداشتند و بحث در حقیقت و فهم اشیاء را مربوط با تباط با شیاطین میدانستند؛ این ملاحظه بیگن رو کرده فریاد میزدند دست این جادو گر را کوتاه کنید، این مسلمان را از کار بیاندازید! : (۱)

غرض آنکه اعتقاد بجادو و سایر خرافات باندازه ای در میان ملت کاتولیک نفوذ داشت که اعمال عجیب و خارق العادات را مربوط با تباط با شیاطین میدانستند!

یکی از مواد برنامه انگیز بیسیون مبارزه با خرافات و جادو و جلو گیری از عملیات جادو گران بود. مثلا در سال ۱۶۰۱ میلادی این دیوان در پرتغال اسب یک نفر انگلیسی را که حیوانی ورزیده و تربیت شده بود و نمایشهایی میداد به نهمت اینکه تحت تأثیر جادو قرار گرفته محکوم نموده در آتش سوختاندند (۲).

## جلو گیری از پیشرفت علوم

دوران حکومت انگلیسیون در اروپا را باید عصر اختناق علوم نام نهاد چون در این دوران، فعالیت و پیشرفت قابل ملاحظه ای در علوم مشاهده نشد زیرا احدى از ناحیه حکومت مآزون نبود که در علوم قدیم بررسی کند، و به نتایج مثبت و روشن تری برسد تاریخ این دوران پر است از محاکمه و اعدام دانشمندانیکه با نظریات فلاسفه قدیم مخالفت کرده، و نظریات جدیدی اظهار داشته اند ما برای نمونه فقط بدکر دو نفر از دانشمندان این دوره و معامله انگلیزیسیون با آنان اکتفا میکنیم:

## ۱ - اعدام ژوردانو برونو

یکی از مسائلیکه امروز جزء مسلمات علوم طبیعی بشمار میآید حرکت زمین و بطور کلی حرکت همه سیارات بدور خورشید است.

این مسئله برای اولین بار توسط « فیلولاموس فیثاغورث » دانشمند بزرگ باستانی ابراز گردید ولی چون متکی بادل و براهین روشنی نبود مورد پسند طبع مردم آن عصر واقع نشد و بعد از چندی نظریه دانشمند معروف بطلامیوس دایر بر مرکزیت و سکون

زمین بظهور رسید ، ومورد قبول عامه واقع شده حتی در نزد پاپها و سایر دینداران مسیحی بصورت وحی آسمانی تلقی گردید ؛

این نظریه تا چند قرن قبل یکی از تئوریهای مسلم علمی بشمار میرفت و در دانشگاههای کوچک و بزرگ جهان تدریس میشد تا اینکه دانشمند عالیقدر کوپرنیک لهستانی قدم بمیدان علم و دانش گذاشت و این تئوری را باطل کرد و نظریه فیثاغورث را که میرفت فراموش شود دوباره زنده کرد .

« کوپرنیک » در اثر تحقیقات و مطالعات عمیق و مشاهده اجرام آسمانی بادستگاهی که خودش ساخته بود بگردش زمین بدور خورشید در مدت یکسال ( حرکت انتقالی ) و گردش بدور خود در مدت یک شبانه روز ( حرکت وضعی ) پی برد ، ولی در ابتداء افکار و عقیده خود را منتشر نکرد زیرا طوفان آینده و طغیان دینداران مسیحی را بر علیه خود حدس زده بود ، ولی بعد از چندی بالاخره ترس و وحشت را کنار گذاشت و بنشر افکار خود اقدام کرد و آنرا بصورت کتابی بنام « درباره دوران اجسام آسمانی » منتشر کرد .

چند روز از تاریخ انتشار کتابش گذشت و روز ۲۴ ماهه ۱۵۴۳ میلادی فرا رسید و این دانشمند گرانمایه برای همیشه چشم از جهان بر بست ، آری او بدون هیاهو و جنجال و هیچگونه خطری جان سپرد ولی بعدها طرفدارانش بدست دژخیان خطرناک انگیزسیون دچار شدند .

از جمله ژبوردانو برونو بود که بعلت دفاع از عقیده کوپرنیک و پشتیبانی از تعدد عوالم مسکون در سال ۱۶۰۰ میلادی از طرف انگیزسیون در آتش سوخت (۱) ( ناتمام )

(۱) تاریخ علوم پی بر روسو .

## توجه فرمائید!

از عموم مشترکین گرامی مجله تقاضا میشود . در صورت تغییر آدرس نشانی محل جدید را در اولین فرصت بنمایند . محل خود اطلاع دهند تا مجله آنها با آدرس جدید ارسال گردد . و نیز خواهشمند است وجه اشتراك خود را هر چه زودتر بنمایند گان مکتب اسلام دهر محل پردازند و با ادای این دین مختصر در نشر این مجله علمی و دینی با ماتشریک مساعی کنند همچنین مشترکین جدیدی را که معرفی مبرمائید مستقیماً بنمایند محل خود معرفی فرمائید تا ترتیب اشتراك ایشان داده شود .

« دفتر مجله »